

آغاز شمارش معکوس؛ اوج اقتدار ایران و حضيض ذلت دشمنان

آغاز شمارش معکوس؛ اوج اقتدار ایران و حضيض ذلت دشمنان

سید عیسی حسینی مزاری

در آستانه سی و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مطالعه اوضاع داخلی ایران و شرایط جهانی نشان می‌دهد که برخلاف هیاهو ها و صحنه سازی های دشمنان، حرکت جمهوری اسلامی ایران روبه پیشرفت و در حال پیمودن قله های ترقی و تعالی و رسیدن به اوج اقتدار در عرصه های مختلف است و دشمنان آن، سیر نزولی در پیش گرفته، می روند تا در حضيض ذلت قرار بگیرند.

البته دشمنان آرام نیستند و نمی گذارند تا این واقعیت برای عموم مردم چهره بنمایاند و این اعتقاد در میان توده ها هویدا گردد که ایران اسلامی، در اثر مجاهدت رهبری و مردم آن، می رود تا نتایج دسترنج ملت خود را برداشت نموده، به عنوان یک قدرت مطرح جهانی عرض اندام نماید، و لذا تمام تلاش خود را برای وارونه نسان دادن اوضاع در ایران به کار گرفته است.

آنچه که دشمن به دنبال آن است این است که این تصور را در اذهان عمومی جهان ایجاد نماید که فشارهای متعدد علیه جمهوری اسلامی ایران، به مراتب از هر زمان دیگری، بیشتر گردیده و بر اثر تداوم آن، نظام جمهوری اسلامی ایران، رو به ضعف نهاده و در نتیجه، این احتمال را قوت می بخشد که یک حمله سهمگین و خشونت بار از بیرون و برخی تنشها و نابسامانیها از داخل، می تواند کار این نظام را یکسره نماید.

این ذهنیت به خصوص برای کسانی ایجاد می‌شود که یا عمر آنان کفاف آن را نمی‌دهد که به گذشته برگردند و حوادث ایجاد شده داخلی و بین‌المللی مرتبط با ایران اسلامی را به بررسی بنشینند و یا اینکه در زمره ناآگاهان بوده، نگاهی به عمق نداشته، فقط به سطح مسایل، دید گذرا و عوامانه می‌اندازند.

در این صورت قطعی به نظر می‌رسد که چنین افراد و اشخاصی از وجود اوضاع فعلی ایران چه در داخل و چه در خارج نگران باشند.

اما مطالعه وضعیت سی و سه سال گذشته ایران و دشمنان منطقه ای و بین‌المللی آن به ویژه آمریکا و انگلیس، نشان می‌دهد که اوضاع برعکس بوده و ایران اسلامی به مراتب قوی‌تر از سی و سه سال پیش است و دشمنان آن، به مراتب ضعیف‌تر از قبل بوده و اکنون این ایران اسلامی است که در بهترین وضعیت ممکن قرار دارد.

برای بررسی این حقیقت، فقط کافی است که نگاهی هرچند گذرا به وضعیت داخلی ایران و قدرت تاثیرگذاری انقلاب اسلامی آن در منطقه و جهان و اوضاع عمومی دشمنان ایران افکنده شود، آنگاه نتیجه ای که خواهیم گرفت همان حقیقتی است که در بالا ذکر شد.

وضعیت داخلی ایران:

الف: ضعف ایران و قدرت دشمنان در دهه اول انقلاب

مقایسه دهه اول ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با دهه چهارم، به خوبی این حقیقت را آشکار می‌سازد که ایران کنونی یک صدم مشکلات دهه اول پس از پیروزی را ندارد. چه اینکه جمهوری اسلامی ایران در دهه اول، علاوه بر اینکه نظامی نو پا بود و حاکمیت هنوز از استقرار و استحکام لازم برخوردار نبود و نیز انقلابیون از تجربیات خوبی بهره نداشتند و جریان‌ها، احزاب و گروه‌های غیر اسلامی هم در صفوف انقلابیون مسلمان از حضور برجسته ای برخوردار بودند، و خود خطری مهم برای نظام اسلامی محسوب می‌شدند، آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه خود را شاهد بود.

در این نبرد، تنها عراق نبود که علیه ایران وارد جنگ شده بود، بلکه تمام قدرتهای شرقی و غربی با تمام سازو برگ نظامی، سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای، در کنار عراق و علیه ایران حضور داشتند.

نا امنی‌های داخلی، ترورهای کور شخصیت‌ها و حتی دست‌اندرکاران اصلی نظام چون اعضای حزب جمهوری

اسلامی، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله مفتاح، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، شهید هاشمی نژاد و ده‌ها وصدها تن از نیروهای انقلابی و حتی مردم عادی، تجربه دیگری بود که ایرانی‌ها در دهه اول پشت سرگذازدند.

غائله کردستان، ناآرامی‌های اقوام و طوایف مرزی و تحرکات تخریب‌گرانه گروهک‌های فداییان خلق و کومله و... از دیگر مشکلات پیش‌روی نظام اسلامی در دهه اول پیروزی انقلاب بود.

کودتای نوژه، عملیات آمریکایی‌ها علیه پایتخت کشور که در صحرای طبس با امداد غیبی مواجه گردید و به شکست مفتضحانه روبرو شد، هدف فرار گرفتن هواپیمای مسافربری ایران برفراز خلیج فارس توسط ناو جنگی آمریکایی، تحریم‌های بی‌پایان ایران از سوی کشورهای غربی به ویژه آمریکا که تاکنون نیز ادامه دارد از دیگر معضلات نظام اسلامی بود.

موارد یاد شده نمونه‌های بسیار کوچک مشکلات و معضلات گریبان‌گیر جمهوری اسلامی ایران در آن دوره بود و بدین ترتیب، دیده می‌شود که ایران، در دهه اول پس از پیروزی، در چه موقعیتی قرار داشت.

اما از آن طرف، دشمنان نظام در نهایت قوت و قدرت فرارداشته و از هرگونه امکانات اقتصادی، نظامی، سیاسی و رسانه‌ای و از حکومت‌های چندین دهه‌ای ظاهراً باثبات نیز برخوردار بوده‌اند. ولی با آن‌هم نه تنها کوچکترین انحرافی در مسیر روبه پیشرفت انقلاب وارد نتوانستند که خود، روز به روز با شکست مفتضحانه مواجه گردیدند.

ب: اقتدار ایران و ضعف دشمنان در دهه چهارم انقلاب

اما امروز جمهوری اسلامی ایران با سپری شدن سی و سه سال از عمر آن، استقرار و استحکام بیش از پیش پیدا نموده، انقلابیون و دست‌اندرکاران آن از تجربه کافی حکومت‌داری و مدیریت کلان‌جامعه بهره‌مند شده، نه تنها بسیاری از مشکلات دهه اول را ندارد که با استفاده از تصیقات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، به پیشرفت‌های خارق‌العاده‌ای هم دست یافته است.

ایران اسلامی از نظر سیاسی، امروزه در سطح بالایی از فعالیت و حضور در داخل و خارج قرار دارد و با فاصله گرفتن از حالت انفعال، سیاست فعال و تهاجمی را در پیش گرفته و از روابط گسترده دیپلماتیک برخوردار است و از برکات این روند است که ایران، دوستان زیادی در سطح جهان دست و پا نموده، به نحوی که امروزه حضور ایران در کشورهای آمریکایی لاتین - یعنی حیط خلوت آمریکا - گویای همین سیاست فعال و پویاست.

در بعد اقتصادی نیز ایران سیر خودکفایی را به سرعت طی نموده و می رود که وابستگی های اندک باقی مانده را نیز پشت سر بگذراند.

از نظر نظامی، نه تنها در منطقه که در سطح دنیا، حرف بسیاری برای گفتن دارد و هم اکنون این کشور در تولید برخی محصولات نظامی در جمع چند کشور برتر و محدود دنیا قرار دارد. ایران در صنعت هوا فضا پیشرفت حیرت انگیزی داشته به گونه ای که تنها کشور اسلامی است که بارها به فضا ماهواره فرستاده است و در صنعت و تکنولوژی و به ویژه در زمینه نانو تکنولوژی و ... نیز رشد چشمگیری داشته است.

ترقی و ورود جمهوری اسلامی ایران به عرصه انرژی هسته ای هم که حاجت به گفتن و نوشتن ندارد، چرا که دنیا را به حیرت و شگفتی واداشته است،

در فنون سدسازی، راه و ساختمان و شهرسازی نیز ایران دست بالایی پیدا نموده است، اما از همه این دستاوردها مهمتر، نیروی نظامی قدرتمند ایران در قالب سپاه، ارتش و بسیج مردمی و ایجاد کادر مدیریتی نیرومند در صحنه های اداره کلان کشور، چه از قشر دانشگاهی و چه از طلاب و علمای حوزه علمیه است که ایران اسلامی را از این نظر، به یک قدرت جهانی تبدیل نموده است.

این در حالی است که حضور مردم هم در صحنه های حمایت از این نظام، بیش از گذشته به نظر می رسد، که به عنوان مثال می توان از حضور پرشور مردم ایران در تظاهرات نهم جدي سال 88 در شهرهای مختلف ایران و به ویژه در تهران نام برد، تظاهراتی که در آن، جمعیتی چند ده میلیونی به خیابان ها ریختند به گونه ای که حتی از فضای مشرف بر شهر ها از طریق بالگردها، در پهنه لنز دوربین های قوی هوایی نیز نمی گنجیدند و زبان نیز از شمارش و تعریف آن قاصر است.

پس نتیجه اینکه ایران اسلامی نه تنها مشکلات گذشته را در مقابل خود ندارد که در همه عرصه ها، قدرتمندتر از همیشه بوده و در محوریت همه این توانمندی ها، وجود و حضور خدای متعال و توجه ائمه معصومین(ع) نیز کاملاً محسوس و مشهود است.

در این میان و با وجود همه موارد و معیارهای ذکر شده، رهبری قدرتمند، مدیر، مدبر، حکیم و توانا در راس هرم همه مجموعه ها و تشکلات مردمی، سیاسی، نظامی و اقتصادی قرار دارد، که روند روبه پیشرفت این کشور را چند و چندین برابر ساخته است.

قدرت یافتن نظام اسلامی در ایران درحالی است که دشمنان ایران، آن اقتدار دهه اول انقلاب را ندارند. بلوک شرق به زباله دان تاریخ افکنده شد و حتی بازمانده های آن در روسیه نه تنها سرستیز و مخالفی با ایران ندارند که گاه و بیگاه، هم نظر و هم خط با جمهوری اسلامی می گردند، حکومت سپاه

طالبان که همواره مزاحمت‌هایی علیه ایران اسلامی داشت به دست پدیدآوردگان شان ساقط گردید، صدام حسین همراه با همه سواره و پیاده نظام خود به تاریخ پیوست، حکومت سکولار و ضد دین و وابسته به غرب و اسرائیل تونس سرنگون شد، بزرگترین پایگاه غرب در مصر با سرنگون شدن حسنی مبارک از دست رفت، دیکتاتور یمن فرار کرد و سایر دیکتاتورهای منطقه هم که وابستگی صددرصد به غرب داشتند، در حال سرنگون شدن می باشند و علاوه بر اینها، خود کشورهای غربی نیز با مشکلات عدیده ای گرفتارند.

اعتراضات میلیونی مردمی علیه حکام مستبد آمریکا، انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی، وجود فشارهای اقتصادی در حد ورشکستگی بسیاری از بنگاه های اقتصادی دولتی و خصوصی این کشورها، بحران های مالی پی در پی، احتمال فروپاشی حوزه یورو و همه وهمه، دشمنان جمهوری اسلامی ایران را در نهایت ضعف قرارداده است.

وضعیت خارجی ایران:

وضعیت ایران را در خارج از این کشور از چند زاویه می توان مورد بررسی قرارداد:

الف: انقلاب اسلامی و تاثیرگذاری عمومی

انقلاب اسلامی از بدو پیروزی، تاثیرات شگرفی در سطح دنیا گذاشت، به گونه ای که افکار عامه جهانی را تحت تاثیر قرارداد و تحولات بسیار بنیادینی در اندیشه های بشری ایجاد کرد. انقلاب اسلامی، معادله زندگی نوینی فرا روی انسان ها قرارداد، به گونه ای که علامتهای سؤال بسیار جدی در پیش روی آحاد جوامع انسانی و حتی غیرمسلمانان گذاشت به گونه ای که علاوه بر ایجاد جرأت و جسارت در میان توده های مختلف جهان جهت ابراز وجود و انعکاس خواسته های برحق خود علیه حاکمان استبداد پیشه، زمینه توجه دسته های بزرگی را به سوی اسلام فراهم نمود و کار به جایی رسید که مساجد و مراکز اسلامی در کشورهای غربی، شاهد حضور افراد و گروه های متعددی گردیدند که متقاضی گرویدن به دین اسلام می شدند.

ب: انقلاب اسلامی و احیای اسلام

انقلاب اسلامی ایران که با "ید" مسیحایی امام روح الله الموسوی الخميني "ره" هدایت و رهبری می شد و با قدرت شگفت انگیزی به پیروزی رسید، اسلام را دگر باره احیا کرد و توده های مسلمان را متوجه روند جدید زندگی نمود، به نحوی که مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی، درک کردند که آنچه از عمرشان گذشته، در پی تبلیغات مسموم دشمن و یا در اثر غفلت و نابلوری از توان دین جهت رهبری جامعه، کاملاً

بی حال و بی خیال سپری شده و تحت سلطه بیگانگان، زندگی اسارت باری داشته اند، لذا با تاسی به حرکت امام خمینی^{ره} موج و خروش عجیبی در میان توده های مسلمان در بسیاری از کشورهای اسلامی ایجاد گردید، و اگر چه در بسا مواقع و در برخی از کشورها، این درک و احساس به زودی رونما نگردید و تبارز علنی و فوری نداشت، اما از جنب و جوش و تحرک زایدالوصف مسلمانها در میادین مختلف کاملاً محسوس بود که انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی^{ره} تاثیر به سزایی روی روحیه و افکار امت اسلامی گذاشته است.

ج: انقلاب اسلامی و ایجاد نهضت های اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به طور مستقیم اثرات عمیقی روی افکار اسلامی مسلمانان جهان گذاشت، به گونه ای که تحت رهبری های داهیا نه امام خمینی^{ره} جبهه و حزب مبارزاتی تشکیل دادند.

مردم مسلمان افغانستان، دقیقاً متأثر از این انقلاب و پیوسته با آن، در صحنه حضور یافتند و تا جایی که در میادین نبرد، با شعار ولایت فقیه و رهبری امام خمینی^{ره} به پیش می تاختند. در عراق، گروه های مختلف اسلامی مرتبط با انقلاب اسلامی ایران تاسیس گردیدند که در برابر حکومت صدام حسین می جنگیدند. در فلسطین، مردم این سامان روح تازه در کالبد مبارزه خود دمیده و با الهام از اندیشه های امام خمینی^{ره} خود را سازمان دادند و در برابر اسرائیل قد بر افراشتند. در لبنان، جوانان شیعه لبنانی چنان تحت تاثیر اندیشه های امام خمینی^{ره} قرار گرفتند که تاب و توان دشمن آن آب و خاک و بلکه دشمنان اسلام را گرفتند و پس از تاسیس حزب الله قهرمان، چندی نگذشت که نه تنها لبنان را به ثبات و آرامش رساندند که بخشهای زیادی از خاک اشغالی خود را از زیر سلطه اسرائیل آزاد نمودند.

نهضت های اسلامی در افغانستان، عراق، فلسطین و لبنان چنان ضربات سهمگینی بر پیکره دشمن وارد کردند که رفته رفته باعث به وجود آمدن افتخارات عظیمی به نفع اسلام گردید.

در افغانستان، شوروی شکست خورد و زمام امور به دست مجاهد مردانی افتاد که با افکار و اندیشه های رهبری نظام اسلامی ایران هماهنگ بودند.

در عراق، صدام اعدام شد و مخالفین او و موافقین نظام اسلامی، بر صندلی قدرت تکیه زدند. لبنانی ها، در ادامه پیروزیهای پی در پی خود، در جنگ 33 روزه، پوزه استکبار و استعمار را به خاک مذلت مالیدند و افتخار بزرگی نصیب جهان اسلام نمودند. فلسطینی ها با محوریت سازمان های اسلامی به ویژه حماس و جهاد اسلامی، افتخارات پیاپی برای اسلام و مسلمان ها کسب کردند تا جایی که در جنگ 22 روزه ثابت نمودند که قدرت اسرائیل و حامیان آن پوشالی بوده و صرفاً با هدف ارباب مسلمین، بزرگ جلوه داده شده است.

از سوی دیگر دیده می‌شود که دشمنان جمهوری اسلامی ایران، هم اکنون در با تلاق افغانستان در حال فرورفتن اند. از عراق زیوانه خارج شدند و در فلسطین و لبنان هم نه تنها توان ضربه زدن به نهضت مقاومت را ندارند که مرتب، از سرینجه های جمهوری اسلامی ایران سیلی های جانانه میخورند.

د: انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی

بیداری اسلامی که از یکسال بدینسو کشورهای عربی را فراگرفته است، از پیامد های سه مورد فوق الذکر و ثمره حضور وادامه حیات قدرتمندانه نظام جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری های داهیان حضرت امام خامنه ای است. اگرچه ممکن است برخی از افراد مغرض، این خیزش عظیم مردمی در کشورهای عربی را ناشی از عوامل دیگری القا نمایند، اما نگارنده وقتی با رهبران پیر و جوان این نهضت ها در تهران، یا سوریه و لبنان، ملاقات و ارتباط داشته، دیده است این افراد به صراحت ابراز می دارند که از انقلاب امام خمینی "ره" الهام گرفته اند و اکنون به تاسی از فرامین حضرت امام خامنه ای "زیدعزه الشریف" حرکت کرده اند و نیز اخبار و گزارش های رسانه ای از کشورهای انقلاب کرده و یاد رجال خیزش، ثابت می سازد که حرکت ها، اسلامی بوده و سر منشا این بیداری هم، انقلاب عظیم اسلامی در کشور ایران می باشد.

در پی به وجود آمدن همین بیداری است که نه تنها غرب، برخی از حامیان و عوامل منطقه ای خود را از دست داده که در حال ازدست دادن باقی عوامل مزدور خود نیز می باشد و این دقیقا به معنای تضعیف جبهه استکبار و استعمار در منطقه و جهان و پذیرفتن شکست سردمداران آن به ویژه آمریکا و انگلیس، است.

هم اکنون این بیداری نه فقط کشورهای اسلامی را فراگرفته که تاثیرات خود را بر جوامع غربی نیز گذاشته و موجبات اعتراضات آنان را نیز فراهم آورده است

نتیجه:

بدین ترتیب با یک مطالعه سرانگشتی اوضاع داخلی و خارجی ایران از یکطرف و شرایط مختلف دشمنان نظام اسلامی در دنیا از طرف دیگر، روشن می شود که جمهوری اسلامی ایران در اوج قدرت بوده، اما دشمنان آن در حقیقت ذلت اند و از این رو، دشمنان نه تنها نمی توانند کوچکترین خطری متوجه جمهوری اسلامی ایران کنند که در آینده نه چندان دور، دست گدایی تقاضای ارتباط و دوستی به طرف جمهوری اسلامی ایران دراز خواهند کرد.

در این مجال، شاید این سؤال پیش بیاید که پس چرا غربی ها در تلاش هستند تا علیه ایران هیاهو

ایجاد کرده و با شاخ و شانه کشیدن، تلاش کنند در اطراف ایران جا بجا شوند، و از سوی دیگر، هواپیماهای جاسوسی به فضای هوایی ایران فرستاده و با تمام قدرت رسانه ای به جان جمهوری اسلامی ایران و سوریه به عنوان کشور متحد ایران افتاده اند؟ به گونه ای که این ذهنیت را برای عده ای بی خبر از اوضاع پدید آورده که ممکن است امروز یا فردا، کار سوریه تمام شده و آنگاه نوبت به جمهوری اسلامی ایران برسد.

پاسخ این سؤال خیلی آسان و راحت به نظر می رسد و آن اینکه: وجود یک چنین شرایطی در جبهه غربی ها علیه ایران، ناشی از دستپاچگی و ترس آن ها از فروپاشی زود هنگام خودشان است.

چرا که امام خمینی "ره" با راه اندازی جنگ نرم علیه استکبار، خواب راحت را از چشمان آن ها ربود و آنها هستند که پی در پی سنگر از دست می دهند و از همین رو، از یکسو با شاخ و شانه نشان دادن و از سوی دیگر آن را در بوق و کرنا کردن از طریق رسانه ها، تلاش دارند فضای رعب و وحشت علیه مسلمان ها و به ویژه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کنند تا از این طریق، اگر نمی توانند مسلمان ها را وادار به عقب نشینی کنند، حداقل مواجهه به توقف نموده و نگذارند از این بیشتر تمام هست و بود آنها را در معرض خطر و نابودی قرار دهند.

غربی ها اگر عملاً می توانستند کاری بکنند، می کردند. چنانچه با به راه اندازی جنگ عراق علیه ایران، این قصد خود را عینیت بخشیدند و یا با سازماندهی کودتای نوژه و یا ترتیب دادن عملیات صحرای طیس و حمایت از گروه های تروریستی مانند منافقین خلق و سپس انفجار ساختمان حزب جمهوری و همچنان نخست وزیری ایران و ده ها و صدها عمل دیگر، نیات خود را به منصفه ظهور رساندند، اما نتوانستند به هدف نهایی خود یعنی براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی برسند، و اکنون به کلی درمانده گردیده و مسلماً در شرایط موجود، شواهد و قرائن نشان می دهد که عمر استکبار به پایان راه رسیده و زمان اقتدار ملت های مسلمان و آزاده فرا آمده است و به طور واضح و آشکار، جمهوری اسلامی ایران به رهبری ولی فقیه زمان، حضرت امام خامنه ای "زیدعزه الشریف" در مرکز این حرکت عظیم استکبار ستیزی و ویران کننده کاخ ظلم و استبداد و فراهم شدن زمینه ظهور حضرت امام زمان (عج) و حکومت جهانی امام غایب، قرار خواهد داشت.

به امید آن روز